

عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی

محمد رضا دهشیری*

زهرا بهرامی**

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در ایران علاوه بر ایجاد تغییر در اصول و ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و ارائه تعریف جدیدی از هویت، اصول و هنجارهای حاکم بر سیاست‌گذاری‌ها را نیز تغییر داد. تقابل با «دیگر» جدیدی به نام صهیونیسم از زمان پیروزی انقلاب اسلامی آغاز گشته و در طول زمان، بی‌تأثیر از تحول در مفهوم و کارکرد قدرت از قدرت سخت^۱ به قدرت نرم^۲ و سپس تغییر شکل از آن به قدرت هوشمند^۳، نبوده است. لذا جمهوری اسلامی ایران عرصه‌های تقابل خود با رژیم صهیونیستی را به تقابل هوشمند و به صورت ترکیب قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تغییر داده است. در این پژوهش عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی مورد واکاوی قرار می‌گیرد و به این امر منتج می‌شود که تقابل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی موجب تهدید امنیت هستی‌شناختی و وجودی اسرائیل گشته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، قدرت هوشمند، تقابل نرم‌افزاری، تقابل سخت‌افزاری، تهدید هستی‌شناختی، رژیم صهیونیستی.

*. دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

mohajer561@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

1. Hard power.
2. soft power.
3. smart power.

طرح مسئله

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران منجر به برساختن هویت جدیدی برای ایرانیان شد به گونه‌ای که ضمن ایجاد «دیگران» جدید در مقابل هویت انقلاب اسلامی، رویکرد سیاست خارجی ایران را در عرصه سیستماتیک دگرگون کرد. بر این اساس نوع موضع‌گیری‌ها، مناسبات و روابط بین‌الملل ج.ا.ا. نیز دچار تحول گشت. علاوه بر نفی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم به نفی صهیونیسم به‌عنوان «دیگر» جدید و عامل امپریالیسم در منطقه پرداخت و درصدد تقابل با آن برآمد. با مرور زمان و وقوع انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات، گسترش هم‌پیوندی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، افزایش بازیگران غیردولتی و ... قدرت از حالت سخت نظامی به قالب نرم و بعد از آن در قالب قدرت هوشمند، که ترکیبی از قدرت سخت و نرم می‌باشد متجلی گشت. ج.ا.ا. با توجه به تحولات عصر جهانی‌شدن، تقابل خود را با رژیم صهیونیستی در قالب جدید، یعنی قدرت هوشمند آغاز کرد و همچنان ادامه می‌دهد. اهمیت این مبحث بدان سبب است که این تقابل، پیامدهای جدی را برای اسرائیل در بر دارد، به گونه‌ای که با ایجاد تهدیدات گوناگون از جمله تهدیدات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، امنیت وجودی یا هستی‌شناختی رژیم صهیونیستی نیز مورد تهدید قرار گرفته است. لذا هدف از ارائه این مقاله بررسی عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با اسرائیل در حوزه نرم‌افزارانه در سه مؤلفه، آشکارسازی هویت جعلی رژیم صهیونیستی، مشروعیت‌زدایی و تصویرسازی سلبی از رژیم مذکور و در حوزه سخت‌افزارانه در دو مؤلفه تقویت جبهه مقاومت و تشویق تحریم اقتصادی اسرائیل می‌باشد.

از جمله ادبیات موجود در این موضوع می‌توان به چند مورد اشاره کرد. نخست مقاله «قدرت هوشمند، تحول نوین قدرت در عصر جهانی‌شدن» نوشته ارسلان قربانی شیخ‌نشین به همراه کامران کرمی و هادی عباس‌زاده، بیان می‌دارد که ظهور بازیگران غیردولتی، توسعه شبکه ارتباطی و وابستگی متقابل اقتصادی نشانگر دورانی تازه از سیاست جهانی است که ناشی از اثرات جهانی‌شدن است. در این اثر، نویسندگان تلاش دارند ابعاد تحول سیاست جهانی را که بیانگر مفهومی نوین از قدرت است نشان داده و به قدرت هوشمند به‌عنوان قدرت مرکب از قدرت نرم و سخت بپردازند. (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۰) مقاله «تأثیر قدرت هوشمند ج.ا.ا. بر سیاست نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه» نوشته معصومه رشاد، اثر دیگری می‌باشد که در آن، نویسنده به بررسی قدرت هوشمند ایران در مقابله با سیاست‌های نظامی و تهدیدات رژیم صهیونیستی در منطقه پرداخته است. وی با بررسی مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت حزب‌الله، آن را به‌عنوان عامل قدرت هوشمند ایران در مقابله با اسرائیل شناسایی می‌کند. (رشاد، ۱۳۹۳) مقاله دیگر در این خصوص، «قدرت هوشمند ج.ا.ا. و انقلاب‌های خاورمیانه» نوشته حسین کبریایی‌زاده است که وی در این اثر ادعان دارد با توجه به وجود عرصه قدرت هوشمند، تحولات اخیر خاورمیانه و مشابهت‌های آنها با انقلاب اسلامی ایران و همچنین مزیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، نظامی، ژئوپولیتیک و علمی ج.ا.ا. فرصت لازم برای تأثیرگذاری هرچه

بیشتر ایران در منطقه و بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا را فراهم کرده است. (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۰) ضمن در نظر گرفتن آثار مذکور، نوآوری پژوهش پیش رو آن است که ضمن بررسی تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی، عرصه‌های تقابل نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه را به صورت مجزا مورد توجه قرار می‌دهد. پژوهش حاضر تلاش دارد از تک‌بعدی‌انگاشتن تقابل ایران با رژیم صهیونیستی اجتناب کرده و آن را در لایه‌ها و سطوح گوناگون مورد بررسی قرار دهد. لذا در گفتار اول به بررسی قدرت هوشمند به‌عنوان چارچوب نظری پرداخته می‌شود و در گفتار دوم، حوزه‌های اصلی تقابل نرم‌افزاری ج.ا.ا. با رژیم صهیونیستی به صورت مختصر تبیین می‌گردد. در گفتار سوم، تقابل سخت‌افزاری ج.ا.ا. با اسرائیل مورد توجه قرار خواهد گرفت و در نهایت، در قسمت پایانی چنین نتیجه گرفته می‌شود که تقابل هوشمند ج.ا.ا. با رژیم صهیونیستی در قالب‌های نرم و سخت، تهدید وجودی و هستی‌شناختی را برای اسرائیل به بار آورده است.

گفتار اول: چارچوب نظری: قدرت هوشمند

از دیرباز، قدرت شالوده فلسفه سیاسی و نظریه‌پردازی در این زمینه بوده است. تعبیر جوزف نای^۱ در این خصوص جالب و بسیار رسا است که می‌گوید قدرت همانند آب‌وهوا است. همه در مورد آن صحبت می‌کنند اما تغییرات آن را فقط عده کمی می‌توانند پیش‌بینی کنند. یا به تعبیری دیگر، قدرت را همانند عشق می‌داند که تجربه کردن آن ساده‌تر از تعریف و اندازه‌گیری آن است. (نای، ۱۳۸۶: ۳۷) ارائه تعریف دقیقی از قدرت، دشوار است ولی با این وجود می‌توان قدرت را توانایی وادار کردن دیگران به انجام کاری و یا پذیرش امری با قدرت زور (قدرت سخت) و بدون قدرت نظامی با اقناع (قدرت نرم)، تعریف کرد. همان‌طور که تعاریف مختلفی را می‌توان از قدرت ارائه داد کارکردهای گوناگونی را هم می‌توان برای آن تصور کرد که روزه‌روز در حال تغییر و تحول است.

روایت قدرت هوشمند در قرن ۲۱ در مورد پیشینه ساختن قدرت یا حفظ سلطه نیست. این روایت در مورد یافتن راه‌هایی برای ترکیب منابع و تبدیل آنها به راهبرد موفقیت‌آمیز در زمینه جدید توزیع قدرت و ظهور دیگران است. (نای، ۱۳۹۰: ۳۱) در سال ۲۰۰۴ فلسفه جدیدی از اقدام یا عملکرد در واشنگتن دی‌سی، برای پیدا کردن جایگزینی برای سیاست خارجی نظامی‌گرایانه جورج بوش پدید آمد، در این زمان سوزان ناسل^۲ مقاله‌ای در مجله سیاست خارجی آمریکا به رشته تحریر درآورد و برای اولین بار ضمن تعریف قدرت هوشمند، آن را تئوریزه کرد. وی استدلال می‌کرد که توجه به قدرت هوشمند مستلزم توجه به این امر است که همه ابزار قدرت به تنهایی در دستان آمریکا نیست و لذا آمریکا باید برای بازگرداندن ارزش‌های چندجانبه تلاش نماید و به همه ابزارهای قدرت توجه کند. (Pallaver, 2011: 102)

1. Joseph S. Nye
2. Suzanne Nossel

گویا ناسل به این امر واقف بود که قدرت به معنای اثرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد و با توجه به تحول در شرایط زمانی و مکانی، مفهوم و کارکرد قدرت نیز دچار تحول خواهد شد. در حقیقت، وقوع جهانی‌شدن، دگرگونی در ارتباطات و اطلاعات و تحول در عرصه و نوع بازیگران نظام بین‌الملل منجر به تضعیف مقبولیت قدرت سخت در عرصه جهانی گشت و مفهوم جدیدی را مطالبه کرد که آن را قدرت نرم نامیدند که در مقابل قدرت سخت نظامی، به جای تکیه بر قدرت زور بر اقتناع و نفوذ تکیه می‌کرد. ولی با توجه به تحولات روزافزون و آشکارسازی محدودیت‌های هر دو عرصه قدرت سخت و نرم، قدرت جدیدی به نام قدرت هوشمند مطرح شد که ترکیبی از هر دو قدرت مذکور بوده و محدودیت‌ها و ناکارآمدی‌های آنها را جبران می‌کرد. بنابراین ناسل بیان می‌کند که آمریکا نیز باید در این مسیر گام بردارد و از تکیه مطلق بر قدرت سخت و نرم صرف‌نظر کند.

ناسل از قدرت هوشمند به معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات علیه امنیت ملی سخن گفت. وی معتقد است توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک آمریکا باید در یک جهت هماهنگ شود تا برآیند آن تداوم برتری آمریکا را تضمین کند. (رشاد، ۱۳۹۳) از نظر جوزف نای نیز نظریه قدرت هوشمند، نه صرفاً قدرت نرم و نه صرفاً قدرت سخت است بلکه هردوی آنها را شامل می‌شود. قدرت هوشمند به این امر می‌پردازد که در فضای جدید جهانی و عصر تصویرسازی، چگونه می‌توان تصویری باهیبیت، هیمنه و جذاب از خود ارائه کرد تا با استفاده از آن در رفتارهای کنشگران موردنظر در این فضا تغییراتی مطلوب ایجاد کرده و زمینه برای تعامل سازنده و پویا فراهم نماید. از دید نای، قدرت هوشمند به معنای قدرت آمریکا در بهره‌برداری از منابع گوناگون از جمله قدرت نرم برای جذب کشورها مختلف برای اشتراک گذاشتن اهداف بدون توسل به زور است که محدود و به ناچار پرهزینه می‌باشد. (دانیالی، ۱۳۸۸: ۸)

در سال ۲۰۰۷، نای به همراه ریچارد آرمیتاژ^۱، معاون سابق وزارت خارجه، ریاست کمیسیون دوحزبی را در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۲ بر عهده داشت که در جهت شناساندن مفهوم قدرت هوشمند تشکیل شده بود. نای و آرمیتاژ در گزارش مفصل خود به اهمیت و ضرورت به‌کارگیری این نوع قدرت تأکید کردند. در این گزارش، قدرت هوشمند به معنای توسعه استراتژی منسجم، پایگاه منابع و در واقع ابزاری برای دستیابی به اهداف قلمداد شده است که هم شامل قدرت نرم و هم شامل قدرت سخت می‌شود. (Wilson, 2008: 111) در واقع، قدرت هوشمند به‌عنوان درکی از قدرت محسوب می‌گردد که مناطق قدرت اقتصادی، نظامی و سایر مناطق دیگر قدرت را پوشش می‌دهد و تکمیل می‌کند که این قدرت در پنج نقطه اصلی تمرکز دارد. این پنج نقطه در سال ۲۰۰۷ توسط نای و آرمیتاژ مطرح شدند که عبارت‌اند از: مشارکت و نهادها، توسعه جهانی، دیپلماسی عمومی، یکپارچگی اقتصادی و نوآوری و فن‌آوری. (Medeiros and others, 2015: 4)

1. Richard Armitage
2. Center for Strategic and International Studies

در بحث قدرت هوشمند، دو شکل قدرت به جای آنکه به جای هم مورد توجه قرار بگیرند، با هم مورد توجه قرار می‌گیرند. برای مثال، قدرت هوشمند ممکن است مستلزم استفاده از قدرت جاذبه و اقناع در طولانی مدت و اجبار در کوتاه مدت باشد. قدرت نرم در بلندمدت می‌تواند شامل ترویج نهادهای داخلی مشروع و کارآمد، حفظ یک نیروی نظامی واکنش سریع در حالت آماده باش و یا طرح ریزی عناصر فرهنگی داخلی باشد که مورد مقبولیت جهانی است. همچنین می‌تواند شامل توسعه و ترویج سازگاری با مخاطبان خارجی از طریق دیپلماسی عمومی، مانند حمایت از برنامه‌های فرهنگی یا علم دیپلماسی باشد. (Jeban, 2015: 6)

به کارگیری قدرت هوشمند در عرصه روابط بین الملل مستلزم استفاده از ابزار درخور این قدرت می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به انقلاب در اطلاعات و ارتباطات و نقش برجسته رسانه در عرصه بین المللی، سازوکارهای رسانه‌ای ابزار مناسبی برای قدرت هوشمند هستند؛ زیرا به جای هدف‌گیری سخت بازیگران، اراده‌ها، هویت‌ها، هنجارها و اصول را نشانه می‌گیرند و می‌توانند ضمن نابودسازی و تخریب هنجارها و روایت‌ها، روایت‌ها و هنجارهای جدیدی را تولید و تثبیت نموده و رفتارها و سیاست‌ها را شکل دهند. بنابراین، ابزار مناسب در جهت مدیریت افکار سیاستمداران و غیر سیاستمداران به شمار می‌آید که در نتیجه آن حتی می‌توان با تصویرسازی‌ها، واقعیت‌ها و حقایق را تغییر داده و بازیگری را به اوج رسانده و یا کشوری را در اذهان عمومی تخریب و منزوی کرد.

علاوه بر این، همکاری و مشارکت، در زمره نشانه‌های قدرت نرم‌افزاری تلقی شده و به‌عنوان بخش اجتناب‌ناپذیری از قدرت هوشمند است. زمینه اتصال متحدان به یکدیگر در راستای همگرایی و تحقق اهداف مشترک، مشارکت با متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی، نه تنها منجر به توزیع هزینه‌های مداخله‌گرایانه می‌شود، بلکه حمایت‌های بیشتری را نیز از سوی آنان جذب می‌کند. همکاری در چارچوب ائتلاف‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند فضای مشترکی را به وجود آورد که انعکاس قدرت هوشمند در حوزه استراتژیکی است. (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

از آنجا که قدرت هوشمند را ترکیبی از قدرت سخت و نرم تعریف نموده‌اند لذا در این عرصه توجه به قدرت سخت و گاهی نیز استفاده از نیروی زور نیز مورد تأکید است و تلاش برای تقویت کارایی نیروهای نظامی نیز امری بدیهی خواهد بود؛ زیرا تقویت و فعال‌سازی ساختار قدرت سخت به‌عنوان یک عنصر مهم در امنیت ملی و بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است و هر کشوری نیازمند سازمان‌دهی نیروی نظامی خود در جهت مقابله با تهدیدهاست. قدرت هوشمند ضمن توجه به این امر، شکل جدیدی از سازمان‌دهی نیروی نظامی تلقی شده که می‌تواند زمینه‌ساز استفاده از آن نیز باشد. وجود قدرت سخت کارآمد و قوی می‌تواند پشتوانه قدرت نرم و عامل موفقیت قدرت هوشمند باشد؛ زیرا کاربرد نیروهای نظامی و استراتژی‌های آن با قدرت هوشمند پیوند خورده است و در قالب آن می‌توان با ایجاد اتحادها، ائتلاف‌ها و مشارکت‌ها، نفوذ و مشروعیت

خود را گسترش داد و زمینه بهره‌برداری از قدرت هوشمند را نیز افزایش داد. لذا می‌توان قدرت هوشمند را زمینه ترکیبی از قدرت‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، استراتژیکی، فرهنگی و ایدئولوژیکی تلقی نمود که بازیگران را مجاب به تقویت ابزارهای گوناگون و اعمال رفتارهای پیچیده می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اهمیت تحولات و دگرگونی‌های نظم جهان کنونی و اهمیت روزافزون قدرت هوشمند، تلاش کرده است ضمن هماهنگی خود در این راستا، به‌صورت هوشمند به تقابل با رژیم صهیونیستی به‌عنوان دیگری موجود در مقابل هویت خود بپردازد که بررسی این امر در ادامه بیان شده است.

گفتار دوم: عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی

همان‌طور که اشاره شد ج. ا. ا. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ضمن تعریف اسرائیل به‌عنوان «دیگری»، و با احتساب آن به‌عنوان رژیم اشغالگر قدس در منطقه درصدد تقابل هویتی ایدئولوژیک با آن برآمد. لازم به ذکر است با تحول در نظام بین‌الملل و مفهوم قدرت، عرصه‌های این تقابل نیز دچار تحول گشته است. جمهوری اسلامی ایران بر این امر واقف بود که برخورد با رژیم صهیونیستی صرفاً در قالب یکی از دو قدرت سخت یا نرم کارآمد نخواهد بود. لذا رویکرد خود را در جهت قدرت هوشمند طراحی و سازمان‌دهی کرده است. ایران در بخش قدرت نرم با بهره‌گیری از پتانسیل بالای مذهب تشیع و جایگاه خود در جهان اسلام از قدرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است که این امکان را فراهم می‌آورد که بتواند هویتی منسجم و یکپارچه از خود تعریف نماید و ضمن ایجاد جامعه‌پذیری مذهبی در داخل، «دیگری» خود را در خارج تعریف نماید و درصدد مقابله با آن جبهه مقاومت را تشکیل دهد. تعریف هویت انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و تعیین دشمن وجودی اسرائیل به‌عنوان «دیگری»، پایه و اساس اصل تقابل را شکل می‌دهد که پیوند محکم و ناگسستنی با سایر حوزه‌های قدرت دارد؛ زیرا شکل‌گیری هویت امنیتی منجر به تعریف دوست و دشمن و در نتیجه آن، متحد و غیر متحد خواهد شد که رفتار و اعمال را در عرصه بین‌المللی شکل می‌دهد. تعریف هویت می‌تواند منجر به ایجاد اصول، هنجارها و ارزش‌هایی شده که با انتقال آن به خودی‌ها در تقابل با «دیگران»، ائتلاف‌هایی را ممکن می‌سازد که اهداف و منافع مشترک را تبیین می‌نماید. لازم به ذکر است که تعریف اشتراکات و عرضه آن به بازیگران مختلف می‌تواند منجر به ایجاد همگرایی شود که ممکن است در قالبی خارج از قالب رسمی و سیاسی از جمله در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل بگیرد. جمهوری اسلامی ایران با تعریف هویت خود به‌عنوان نظام عدالت‌خواه، مبارز با استکبار جهانی، مدافع مظلومان و سردمدار مقابله با صهیونیسم، مشترکاتی را میان خود و سایر جوامع و بازیگران ایجاد نموده است که آن را در تقابل با هویت «دیگری» موسوم به اسرائیل یاری می‌نماید. این راهبرد چندگانه و چندلایه از دو جهت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری رژیم صهیونیستی را با تهدیدات وجودی مواجه کرده است که هستی اسرائیل را مورد تهدید قرار داده است. در ادامه به اختصار به هر یک از تهدیدات مذکور اشاره خواهد شد.

یک. تقابل نرم‌افزاری ج.ا.ا. با رژیم صهیونیستی

تقابل نرم‌افزاری ج.ا.ا. با رژیم صهیونیستی بیش از هر چیزی بر مسئله مشروعیت‌زدایی از رژیم مزبور تکیه دارد. امروزه مشروعیت‌بازیگران نزد یکدیگر از مهم‌ترین عوامل قدرت و اعتبار جهانی می‌باشد و در حقیقت، مشروعیت حلقه چسبیده به قدرت محسوب می‌گردد و از دست دادن مشروعیت هر بازیگر تهدید جدی و وجودی برای آن به شمار می‌آید. ج.ا.ا. در تقابل نرم با رژیم صهیونیستی از سه مؤلفه اساسی استفاده نموده است. از جمله آشکارسازی هویت جعلی رژیم صهیونیستی، مشروعیت‌زدایی از رژیم صهیونیستی با تکیه بر مسئله آوارگان فلسطینی و تصویرسازی سلبی از ماهیت این رژیم از طریق دیپلماسی رسانه‌ای می‌باشند.

۱. آشکارسازی هویت جعلی و غاصبانه رژیم صهیونیستی

آنچه بیش از همه در کسب و عدم کسب مشروعیت قابل توجه است، بحث هویت می‌باشد. اینکه بازیگر در عرصه جهانی خود را چگونه تعریف نماید، می‌تواند به اعمال و اقدامات آن مشروعیت داده و تصویری متناسب با خواسته‌اش را ایجاد نماید. رژیم صهیونیستی از بدو تشکیل خود در جهت ایجاد یک هویت با تکیه بر آموزه‌های یهودی، تلمود، ایدئولوژی صهیون و سابقه تاریخی برآمد. اما از آنجا که این رژیم، رژیمی جعلی بوده است که به کمک استعمارگران انگلیسی و با حمایت آمریکا روی پای خود ایستاده است و جمعیت و ملتش را با فرآیند مهاجرت از تمام سرزمین‌ها شکل داده، هنوز نتوانسته است هویت منسجم برای خود تعریف نماید و آن را تثبیت کند. از سوی دیگر بعد از وقوع انقلاب اسلامی و تعریف هویت جدیدی از سوی ایران، رفتار و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل، زیر سؤال بردن مشروعیت رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت آپارتایدی و توسعه‌طلبانه این رژیم استوار شده است. جمهوری اسلامی ایران با پایه قرار دادن ارزش‌ها و باورهای اسلامی به غیریت‌سازی هویت رژیم صهیونیستی مبادرت کرد که نتیجه آن، مطرح‌شدن هویت غاصب، ظالم و نژادپرست رژیم صهیونیستی بود که این امر ج.ا.ا. را در تقابل وجودی با آن قرار داده است.

ج.ا.ا. موضوع رژیم صهیونیستی را از حوزه تقابل ملی‌گرایانه اعراب و اسرائیل به عرصه تقابل جهان اسلام با جهان استکبار تغییر داده است و واحد تحلیل را امت اسلامی می‌داند که فراسوی مرزهای ایجاد شده استعمار قرار دارد. بر این اساس، مستضعفین و مظلومان جهان از جمله ملت فلسطین نیز در این واحد معنا می‌یابند که باید به کمک آنها شتافت، از این‌رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت از آرمان فلسطین و تقویت جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی را مورد تأکید قرار داده است. (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۴۲ - ۳۶) در نتیجه، رویکرد ج.ا.ا. در مسئله فلسطین را می‌توان مبنی بر نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان دانست که موجبات زیر سؤال بردن امنیت هستی‌شناختی رژیم صهیونیستی را فراهم آورده است.

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) اصول مذکور در ارتباط با رژیم صهیونیستی این چنین معنا می‌یابد که رژیم سلطه‌گر اسرائیل سرزمین‌های فلسطین را غصب نموده و با تکیه بر سیاست خشونت‌طلبی، نژادپرستی و توسعه‌طلبی در صدد تضييع حقوق مسلمانان و مظلومان بر آمده است و تقابل با آن در راستای حمایت معنوی از مظلومان و مسلمانان و حمایت از گروه‌های مقاومت در مقابل اسرائیل، تجلی می‌یابد. انعکاس جهانی چهره حقیقی رژیم جعلی اسرائیل و هویت غاصب و سلطه‌جویانه آن موجب خدشه‌دار شدن مشروعیت رژیم صهیونیستی در نزد افکار عمومی جهان اسلام و ملت‌های آزادی‌خواه گشته است.

از این‌روست که گفتمان خاورمیانه‌ای ایران بعد از انقلاب اسلامی بر اساس محورهایی از جمله: گفتمان اسلام‌گرایی، گفتمان وحدت‌گرایی و انسجام اسلامی و گفتمان حمایت قاطع از جنبش‌های فلسطینی و نفی مشروعیت استوار بوده است. (محمودی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳) در نتیجه می‌توان اذعان کرد که تعریف هویت انقلاب اسلامی در مقابل هویت اسرائیل، منجر به خدشه‌دار شدن مشروعیت هویت رژیم صهیونیستی گشته است. مضافاً آنکه اقدامات و اعمال خشونت‌آمیز این رژیم در سرکوب وحشیانه مردم فلسطین با واکنش جامعه بین‌المللی نیز روبه‌رو شده است.

۲. مشروعیت زدایی از رژیم صهیونیستی با تکیه بر مسئله آوارگان فلسطینی

از جمله مسائل دیگری که مشروعیت این رژیم را خدشه‌دار ساخته است مسئله آوارگان فلسطینی است. این امر، عملکرد حقوق بشری رژیم صهیونیستی را زیر سؤال برده است. تعداد آوارگان از پنج میلیون نفر تجاوز می‌کند و بخش عمده‌ای از آنها به طرز فجیع در اردوگاه‌های مختلف، روزگار می‌گذرانند. پس از تشکیل رژیم صهیونیستی، عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد به شرط حل دو مسئله پذیرفته شد که یکی از آن دو شرط بازگشت آوارگان فلسطینی به وطن اصلی‌شان بود. ولی هنوز آوارگان فلسطینی به وطنشان بازنگشته‌اند. قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل در مورد مناقشه فلسطینی‌ها و اسرائیل، به مسئله پناه‌جویان اشاره کرده است و قطعنامه ۱۹۴ مشخصاً به مسئله پناه‌جویان فلسطینی اختصاص دارد و بر بازگشت آنها به وطنشان تأکید می‌کند. ولی رژیم صهیونیستی این قطعنامه و مفاد مربوط به آوارگان را در سایر قطعنامه‌های سازمان ملل زیر پا گذاشته و از بازگشت آوارگان جلوگیری می‌کند. (علیخانی، ۱۳۸۹: ۴۴) این رویکرد موجب تسریع روند روبه کاهش مشروعیت رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی شده است. جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن تأکید بر اهمیت به رسمیت شناختن حق بازگشت پناهندگان فلسطینی به میهن خود بر اساس قوانین بین‌المللی و به زیر سؤال بردن اقدامات رژیم اشغالگر قدس و بر لزوم توجه به حق فلسطینیان مبادرت می‌ورزد. در این خصوص رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای در پنجمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه در مهرماه ۱۳۹۰ می‌فرماید:

ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کنیم، و نه به دریا

ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را. ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. (<http://www.icana.ir/Fa/News/179090/1390/7/10>)

مقام معظم رهبری در خصوص آوارگان فلسطینی به دو عامل مهم اشاره فرموده‌اند: نخست، بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین مادری‌شان و دوم، برگزاری رفراندوم. البته با توجه به آنکه تعداد فلسطینیان داخل و خارج فلسطین اشغالی به مراتب از تعداد یهودیان ساکن در سرزمین اشغالی بیشتر است لذا هر رفراندومی باعث حاکمیت فلسطینیان بر سرزمین خودشان خواهد شد که مورد قبول جهان و جهانیان است. در خصوص طرح رفراندوم نیز باید اشاره نمود که بر اساس طرح مذکور همه مردم فلسطین می‌بایست در سرزمین مادری گردهم آمده و در قالب یک همه‌پرسی فراگیر نوع نظام سیاسی خود را معین نمایند. در قالب این طرح، مسلمانان، یهودیان و مسیحیان می‌توانند به طور برابر و در فرآیند عادلانه نسبت به تعیین سرنوشت خود و نظام سیاسی فلسطین مشارکت داشته باشند و در همه‌پرسی مزبور آوارگان فلسطینی نیز باید شرکت نمایند. مهاجرانی که حق رأی نخواهند داشت می‌بایست در انتظار بمانند تا تکلیف آنها توسط نظام سیاسی منتخب مردم اصیل فلسطین روشن شود. در واقع، در صورت تحقق عملی طرح مذکور، دیگر اسرائیل موجودیتی نخواهد داشت؛ چراکه یک همه‌پرسی عادلانه و فراگیر نشان خواهد داد که فلسطینی‌های اصیل حاکم بر سرزمین خود خواهند بود و یهودیان تنها به‌عنوان یک اقلیت در فلسطین مطرح می‌باشند. (شواری هماهنگی تبلیغات اسلامی استان کرمان، ۱۳۹۲: ۳۷) رژیم صهیونیستی و مدافعان اصلی آن یعنی آمریکا با طرح مذکور مخالفت می‌نمایند؛ زیرا معنای واقعی طرح رفراندوم یعنی نابودی اسرائیل را فهمیده‌اند و از آن اجتناب می‌کنند. اما باید توجه داشته باشند که امروزه با افزایش اهمیت اموری چون امنیت انسانی، حقوق بشر، صلح، عدالت جهانی و شهروند جهانی شاهد توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده و دیگر نمی‌توان انتظار داشت رژیمی که اصول بین‌المللی را نقض می‌کند بتواند به مشروعیت‌سازی بپردازد.

۳. تصویرسازی سلبی از ماهیت رژیم صهیونیستی از طریق دیپلماسی رسانه‌ای

با توجه به موارد مذکور انقلاب اسلامی توانسته است با تکیه بر قدرت نرم خود و ضعف پتانسیل نرم اسرائیل و با استفاده از ابزارهای قدرت هوشمند از جمله رسانه‌ها، بازیگران جهانی را نسبت به هویت جعلی و خشونت‌طلب رژیم صهیونیستی آگاه نموده و افکار عمومی جهان آزادی‌خواه را علیه آن برانگیزد. ج.ا.ا. در این راستا بر دیپلماسی رسانه‌ای تمرکز نموده و در حوزه صهیونیسم‌ستیزی سرمایه‌گذاری کرده است. بر این مبنای سیمای جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۵ شبکه ملی، ۱۰ شبکه بین‌المللی و ۳۴ شبکه محلی است. شبکه‌های جام جم ۱، ۲ و ۳ که همگی زیرمجموعه معاونت برون‌مرزی صداوسیما هستند برای ایرانیان

مقیم اروپا، آمریکا، آسیا و اقیانوسیه برنامه پخش می‌کند. شبکه‌های خبری عربی‌زبان العالم و شبکه عربی الکوثر و شبکه خبری انگلیسی‌زبان پرس تی‌وی و شبکه اسپانیایی‌زبان هیسپان تی‌وی از دیگر شبکه‌های تلویزیونی سازمان صداوسیما ایران هستند که در سطح جهانی برنامه پخش می‌کنند و به افشای ماهیت حقیقی رژیم صهیونیستی می‌پردازند. همچنین شبکه‌های سحر ۱ و ۲، روزانه ۳۸ ساعت برنامه برون مرزی به شش زبان اردو، انگلیسی، بوسنیایی، ترکی آذری، فرانسه و کردی پخش می‌کند. صداوسیما همچنین شش ایستگاه رادیویی برون مرزی به ۲۵ زبان را اداره می‌کند. از جمله مشهورترین این رادیوها باید به رادیو صدای داوود (به زبان عبری) اشاره کرد (سایت پخش زنده شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ایران، ۱۳۹۲) همچنین صداوسیما جمهوری اسلامی ایران برای بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا برنامه‌های رادیویی تولید و پخش می‌کند. شبکه‌های العالم و پرس تی‌وی امروزه یکی از ابزارهای اصلی قدرت هوشمند ایران در تقابل با صهیونیسم بین‌الملل به شمار می‌روند. به طوری که آمریکا و کشورهای غربی برای جلوگیری از تأثیر رسانه‌های ایرانی درصدد جلوگیری از انتشار پیام‌های این رسانه‌ها برآمدند؛ (رشاد، ۱۳۹۳) زیرا ج.ا.ا. در نظر دارد با استفاده از رسانه‌های مذکور حقایق فجایع رخ داده در سرزمین‌های اشغالی را به افکار جهانیان منتقل و از حقوق غصب شده ملت مظلوم فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع کند. در واقع، پوشش رسانه‌ای ایران مشتمل بر تصاویر اقدامات غیرانسانی رژیم صهیونیستی، خانه‌ها و تأسیسات تخریب‌شده بر اثر حملات، درگیری‌ها، کشته‌ها، مجروحان، زنان و کودکان داغ‌دیده و مانند آنهاست که اسرائیل نتوانست پوشش خبری و تحلیلی آن را کنترل و لاپوشانی کند. از جمله نمونه بارز این آشکارسازی‌ها می‌توان به قضایای شهادت محمدالدوره نوجوان ۱۲ ساله فلسطینی در آغوش پدرش در سپتامبر ۲۰۰۰ و «کشتار جنین» در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد. در نتیجه این آشکارسازی‌ها منجر به سلب هویت از رژیم صهیونیستی گشته و مشروعیت آن را در عرصه جهانی تخریب کرده است.

دو. تقابل سخت‌افزاری ج.ا.ا. با رژیم صهیونیستی

انقلاب اسلامی در تقابل سخت با رژیم صهیونیستی بر دو مؤلفه تکیه نموده است که از جمله آنها، نخست: تقویت جبهه مقاومت و دوم: تشویق تحریم کالاهای صهیونیستی می‌باشد.

۱. تقویت جبهه مقاومت

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر گفتمان اسلامی، اندیشه جهاد و شهادت و مبارزه با ظلم و ظالم به حمایت معنوی گسترده از محور مقاومت در برابر اسرائیل پرداخته است و دایره تهدید امنیتی علیه اسرائیل را تنگ‌تر نموده است. نمونه‌های این تقابل سخت افزارانه را در برخی از جنگ‌ها از جمله جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل در ژوئیه ۲۰۰۶، جنگ ۲۲ روزه غزه در دسامبر ۲۰۰۸، قدرت‌یابی حماس و جهاد اسلامی، جنگ ۸ روزه در نوامبر ۲۰۱۲ و جنگ ۵۱ روزه در ۲۰۱۴ می‌توان مشاهده نمود. در این راستا ایران حزب‌الله لبنان را

نوک پیکان مبارزه با اسرائیل قرار داده و حمایت معنوی از آن را سرلوحه سیاست خود می‌داند. در حقیقت حزب‌الله لبنان یکی از مؤلفه‌های قدرت سخت‌افزاری ایران در حوزه تقابل هوشمند با اسرائیل به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی محور مقاومت است. لذا در ادامه به گوشه‌ای از نقش معنوی ایران در تقویت جبهه مقاومت می‌پردازیم و حزب‌الله لبنان را به‌عنوان نمونه مطالعاتی ذکر خواهیم کرد.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تشکیل حزب‌الله در سال ۱۹۸۲، مهم‌ترین حامی این جنبش از لحاظ آموزش نظامی محسوب می‌شود. آموزش‌های مداوم نظامی کادر حزب‌الله و نیز موضع مخالف ایران در برابر مخالفان حزب‌الله و حامیان خلع سلاح این جنبش و مهم‌تر از آن، تبادل اطلاعاتی از جمله مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری قدرت هوشمند ایران برای حمایت از حزب‌الله لبنان است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۵۳) حزب‌الله از زمان شکل‌گیری، قوی‌ترین متحد غیردولتی ایران بوده است. نقش حزب‌الله در نمایش قدرت سخت ج.ا.ا. به اهداف مبارزه با رژیم صهیونیستی و حفاظت از لبنان گره خورده است. جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اسرائیل در ۲۰۰۶ را می‌توان نمونه‌ای از موفقیت مؤلفه‌های قدرت هوشمند ایران در تقابل سخت با رژیم صهیونیستی دانست.

در حقیقت، جنگ ۳۳ روزه نمادی از جنگ نامتقارن به شمار می‌رود که در آن از یک‌سو جنگ پرشدت و ابزارهای پیشرفته، ایجاد زمینه سوخت قبل از حملات زمینی و به‌کارگیری مؤثر عملیات روانی و از سوی دیگر، ترکیب ابزارهای جنگ کلاسیک و الگوهای جنگ چریکی و پارتیزانی، ترکیب مهارت‌های رزمی و شناخت دقیق جغرافیا، خودکفایی عملیاتی و مدیریت هوشمندانه عرصه عملیاتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی روانی مطرح بودند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۰) در این جنگ اسرائیل به دلیل ضعف در کسب اطلاعات درباره ظرفیت‌های نظامی و عملیاتی حزب‌الله بسیار آسیب‌پذیر شد. در این جنگ، رژیم صهیونیستی هم در آغاز جنگ و هم در محاسبه میزان توان موشکی و نظامی رزمندگان حزب‌الله دچار غافلگیری شد. رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ هدف عمده از جنگ را نابودی حزب‌الله، خلع سلاح مقاومت و عقب‌راندن حزب‌الله، به پشت رودخانه لیطانی اعلام کرد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۴۰) و در پایان درگیری‌ها، برتری فن‌آوری و تسلیحاتی رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفت. علیرغم خسارات شدید به زیرساخت‌ها و زیربنای لبنان، تصویری که در محافل داخلی رژیم صهیونیستی و در سطح منطقه و نزد افکار عمومی دنیا ارائه شد، شکست‌هیمنه ارتشی بود که تا قبل از آغاز این جنگ، داعیه شکست‌ناپذیری داشت. این امر از نظر روانی اثرات سوئی بر ارتش رژیم صهیونیستی داشت. علاوه بر ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف اعلام‌شده‌اش، در آن‌سوی میدان، حزب‌الله موفق شد جایگاه بهتر و مناسب‌تری را برای خود ایجاد کند. به‌گونه‌ای که از دید روزنامه نیویورک‌تایمز بعد از جنگ ۳۳ روزه جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان را باید قهرمان جهان عرب دانست. (www.political-articles.persianblog.com)

پس از صدور قطعنامه ۱۷۰۱ و پایان جنگ، نظرسنجی‌هایی که در رژیم صهیونیستی منتشر شد، حکایت

از انتقاد و ناراضی‌های افکار عمومی از عملکرد دولت و ارتش رژیم صهیونیستی داشت. با تشکیل کمیسیون تحقیق، علل ناکامی‌های ارتش رژیم صهیونیستی بررسی شد و در نهایت، ژنرال دن هالوتز،^۱ رئیس ستاد کل ارتش، مجبور به استعفا شد. برخی از تحلیلگران، جنگ ۳۳ روزه را جنگی نیابتی قلمداد کرده و نزاع اصلی را بین ایران و رژیم صهیونیستی قلمداد نمودند. (رشاد، ۱۳۹۳) این جنگ دستاوردهای مختلفی برای حزب‌الله در برداشت که از جمله آنها:

۱. نظریه مرزهای امن رژیم صهیونیستی در نتیجه ایستادگی حزب‌الله و استمرار آتش‌بازی آن بر ضد شهرهای شمال اسرائیل تا حد زیادی به چالش کشیده شد. آسیب‌پذیری نظامی جامعه صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه، بسیاری از تضادهای اجتماعی این جامعه را نمایان کرد. نبود همبستگی اجتماعی در نتیجه فرآیند ملت‌سازی و ناتوانی دولت در مدیریت بحران در چارچوب پیش‌بینی نشده از جمله موضوعات جدیدی بود که مطبوعات صهیونیستی در طول جنگ مورد نقد و بررسی قرار دادند. آسیب‌پذیری نظامی و اجتماعی صهیونیستی، موجب شد رژیم به تجدید نظر در بسیاری از راهبردهای نظامی خود مبادرت نماید.
 ۲. نظریه شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل رو به ابطال گرایید.
 ۳. نقش استراتژیک اسرائیل در منطقه در نتیجه جنگ ۳۳ روزه کاملاً دچار بحران شد.
 ۴. توان مدیریتی رژیم صهیونیستی در جنگ و دستیابی به ابتکار عمل در عملیات جنگی زیر سؤال رفت.
 ۵. همگرایی جهان اسلام در تقابل با جنایات اسرائیل به صورت خودجوش و مردمی تقویت گشت.
- (رویوران، ۱۳۸۵: ۵۳ - ۵۱)

موفقیت عملکرد حزب‌الله لبنان نشان داد که آنها دارای نیروی قوی و معتبر هستند که می‌توانند اسرائیل را به‌رغم حمایت‌های بی‌وقفه آمریکا که مدعی کسب مشروعیت و محبوبیت در جهان اسلام و عرب شده‌اند به زیر افکندند و موازنه معتبر در تعادل قدرت منطقه باشند. در نتیجه این امر ایران به‌عنوان حامی معنوی حزب‌الله توانست قدرت سخت‌افزاری خود را در تقابل با اسرائیل به نمایش بگذارد و تهدید امنیتی وجودی برای رژیم صهیونیستی ایجاد نماید. (Salem, 2015: 8)

۲. تشویق تحریم کالاهای صهیونیستی

در حوزه اقتصادی ج.ا.ا. نیز بر امنیت رژیم صهیونیستی اثرگذار بوده است؛ زیرا با آغاز و تشدید روند تحریم کالاهای رژیم صهیونیستی درصدد تقابل اقتصادی با اسرائیل برآمد و امنیت اقتصادی آن را به‌عنوان یکی از پایه‌های امنیت وجودی مورد تهدید قرار داد.

در خصوص تحریم کالاهای اسرائیلی توسط ج.ا.ا. می‌توان به تصویب قانون تحریم اسرائیل مشتمل بر ماده واحده و قانون واحده اسلامی (شامل یازده ماده) در جلسه روز یکشنبه ۲۹ شهریورماه ۱۳۷۱ مجلس

1. Dan Halutz

شورای اسلامی اشاره کرد که در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۵ نیز به تأیید شورای نگهبان رسیده است. امروزه با توجه به تلاش‌های دیپلماسی عمومی ایران و متحدانش در محور مقاومت، به‌ویژه در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای برای نمایان ساختن هویت واقعی اسرائیل و اثبات جعلی بودن آن، با توجه به نمایش رسانه‌های جهانی از خشونت‌طلبی‌ها و وحشی‌گری‌های رژیم مذکور، روندی مشترک علیه اسرائیل در حوزه اقتصادی شکل گرفته است و ما شاهد یک اقدام جهانی برای بایکوت کردن کالاهای رژیم صهیونیستی هستیم؛ زیرا امروزه، عصر جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات است و دولت‌ها بازیگران اصلی و غالب نیستند که با حمایت از اقدامات نامشروع اسرائیل آن را مشروع جلوه دهند. با توجه به آگاهی جامعه جهانی و دخالت سایر بازیگران غیردولتی و اهمیت روزافزون افکار عمومی، اسرائیل نمی‌تواند انتظار حمایت جهانی را داشته باشد. در حقیقت، سیاست بایکوت رژیم صهیونیستی سال‌هاست جریان دارد.

به عنوان مثال، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، دانشگاهی، تجاری و کشاورزی گروه‌های غیردولتی در آمریکا و اروپا بر اسرائیل در حال گسترش است. طی چند سال اخیر، کشورهای اروپایی هم رژیم صهیونیستی را بایکوت کرده‌اند و این امر افت مالی و اقتصادی برای این رژیم در پی داشته است و از نظر استراتژیک جایگاه این رژیم را به مخاطره انداخته است. سایت «اینویشن مایند»^۱ که سایت خبری برای اطلاع‌رسانی در مورد روند بایکوت‌های اسرائیل است، با اشاره به موفقیت‌های سال ۲۰۱۳ و سالیان گذشته عنوان می‌کند که کمپین تحریم محصولات رژیم صهیونیستی توانسته تا حد قابل توجهی محصولات اسرائیل را بایکوت کند. (<http://www.avapress.com>)

روندی که این کمپین در راستای مقابله با رژیم صهیونیستی اتخاذ کرده است شامل، عدم حضور در نشست‌های اجتماعی این رژیم، عدم مصرف محصولاتی از جمله خرماي «مِد جُول»^۲ و میوه‌های شرکت‌هایی همچون یافا^۳ و تسکو،^۴ بنزین شرکت‌های اسرائیل و ... همچنین برپایی راهپیمایی‌های ضد اسرائیلی به خصوص در روزهای قدس و روز به اصطلاح استقلال رژیم اسرائیل، بخشی از فعالیت‌هایی است که تاکنون علیه این رژیم اعمال شده است. در واقع، ادامه روند بایکوت محصولات اسرائیلی انزوای اجتماعی و سیاسی را برای این رژیم به بار خواهد آورد که این امر با توجه افزایش روزانه تعداد افراد حامی و تبلیغ‌کننده بایکوت و تحریم علیه رژیم صهیونیستی «BDS»^۵ بسیار قابل توجه می‌باشد. باید اشاره کرد که رژیم اسرائیل با جنگ‌افزارهای پیشرفته‌اش نتوانسته جلوی حرکت خودجوش و مردمی را بگیرد؛ حرکت خودجوش (BDS) تا حد زیادی قلب اقتصادی این رژیم را هدف قرار داده و به آن آسیب‌های فراوانی رسانده است. در سایت

1. Invision mind
2. Medjool
3. Jaffa
4. Tesco
5. Boycott, Divestment and Sanctions

«بایکوت اسرائیل» آمده نه تنها فلسطینی‌ها و مسلمانان بلکه یهودیان و شهروندان سرزمین‌های اشغالی نیز به درخواست شرکت در کمپین تحریم‌های ضد اسرائیلی لیبیک گفته‌اند و آنها نیز این رژیم را مورد بایکوت قرار داده‌اند. در این سایت که بیانیه‌های مختلف بایکوت علیه اسرائیل را مطرح می‌کند از اعضا درخواست شده است که ایده‌های جدید و راهکارهای مقابله با این رژیم اشغالی و راه‌های بایکوت کردن اسرائیل را مطرح کنند، به اشتراک بگذارند و در صورت اثبات کارایی و عملی بودن، این ایده‌ها را به مرحله اجرا برسانند. این روند در مورد کشاورزی رژیم صهیونیستی نیز اجرا شده است. در حالی که کشاورزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی رژیم اشغالگر قدس محسوب می‌شود و اقتصاد اسرائیل به آن وابسته است. سیاست بایکوت محصولات اسرائیل ضربه سختی به این بخش استراتژیک از ساختار اقتصادی این رژیم وارد ساخته است. (<http://www.avapress.com>)

«دویچه وله» در این باره می‌نویسد: «بایکوت محصولات تجاری، اسرائیل را در منگنه قرار داده است؛ تاجران اسرائیلی خود را در خطر می‌بینند و وضعیت صادرات در حاله‌ای از ابهام است.» در گزارش «دویچه وله» به نقل از یک کشاورز ساکن سرزمین‌های اشغالی آمده است:

بازار و مارکت اسرائیل کوچک‌تر از مزارع ما است و کشاورزی ما به بازارهای جهانی نیاز دارد که در آنها بتوانیم محصولاتمان را عرضه کنیم و اگر اروپا بخواهد سیاست بایکوت را علیه ما ادامه دهد، با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شویم. آنگاه می‌بایست یا تولیدات را متوقف کنیم و یا شاهد از بین رفتن محصولات باشیم و مجبور به دور ریختن آنها شویم. (<http://www.dw.com>, 2014/2/14)

وقوع انقلاب اسلامی تهدید وجودی برای اسرائیل در حوزه‌های گوناگون از جمله حوزه اقتصادی بود و آن را تا لبه پرتگاه برده است؛ زیرا انقلاب اسلامی ضمن تحریم کالاهای اسرائیلی، با تشویق جامعه بین‌الملل و شفاف‌سازی و آگاه‌سازی هویت جعلی اسرائیل، این روند را جهانی کرده است. در نتیجه تقابل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ج.ا.ا. با اسرائیل به دلیل جعلی و ساختگی بودن رژیم صهیونیستی منجر به تهدید هستی‌شناختی برای آن گشته است و وجود و هستی آن را مورد تهدید قرار داده است.

نتیجه

مفهوم قدرت هوشمند از جمله مفاهیمی است که ریشه در تحولات گوناگون نظام جهانی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد و درصدد جبران محدودیت‌ها و ناکارآمدی‌های دو مؤلفه قدرت سخت و نرم می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران از زمانی که هویت خود را تعریف کرده و اسرائیل را در مقابل خود با عنوان «دیگری» شناسایی نموده، در دوره‌های مختلف زمانی با ابزارهای گوناگون به مقابله با آن پرداخته است. ج.ا.ا. امروزه

با تکیه بر قدرت هوشمند و بهره‌گیری از قدرت نرم و سخت به صورت هم‌زمان در مقابل رژیم صهیونیستی به تقابل پرداخته است. انقلاب اسلامی در حوزه قدرت نرم با آشکارسازی هویت جعلی اسرائیل، مشروعیت‌زدایی از این رژیم با توجه به مسئله پناهندگان و تصویرسازی سلبی از رژیم صهیونیستی سعی دارد این رژیم را در عرصه جهانی نامشروع نشان داده و اقتدار آن را فروپاشد. ج.ا.ا. همچنین در عرصه سخت‌افزاری نیز با تقویت جبهه مقاومت و هدایت معنوی حزب‌الله به‌عنوان نوک حمله مقابله با اسرائیل تلاش می‌کند، ضمن تخریب اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل این رژیم را با چالش‌های امنیتی مواجه سازد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی با بایکوت و تحریم کالاهای اسرائیلی و تشویق این امر در عرصه جهانی، دایره تهدیدات اقتصادی اسرائیل را تنگ‌تر و این رژیم را با مشکلات اقتصادی اساسی مواجه نموده است که وجود و هستی اسرائیل را با خطر نابودی روبه‌رو می‌کند لذا این تقابل یک تهدید امنیتی هستی‌شناختی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید که می‌تواند منجر به نابودی آن گردد.

منابع و مآخذ

۱. اینبار، افرام و محمد سالاری، زمستان ۱۳۹۱، «خیزش‌های ۲۰۱۱ عرب و امنیت ملی اسرائیل»، *مطالعات منطقه‌ای*، ش ۴۷.
۲. حسینی، سید محمد، *اقتصاد اسرائیل در آستانه فروپاشی*، ۱۳۹۳، برگرفته از: <http://www.avapress.com/vdcc.oqpa2bq4ola82.1393/12/1>.
۳. دانیالی، سیاوش، آبان و آذر ۱۳۸۸، «آمریکا و نظریه قدرت هوشمند و مدل‌های ناموفق»، *ماهنامه خلیج فارس و امنیت*، ج ۱۰، ش ۹۹ و ۱۰۰.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۲، *سیاست خارجی ج.ا.ا.*، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) تحقیق و توسعه علوم انسانی، ج ۵.
۵. دهقانی، محمود، ۱۳۸۶، *تأثیرات منطقه‌ای جنگ اخیر لبنان، پژوهش‌های سیاست خارجی*، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس.
۶. رویوران، حسین، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، «دستاورد‌های پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، س ۷، ش ۲۶ و ۲۷.
۷. شاهین، ابراهیم، *اسرائیل و بحران مشروعیت*، ۱۳۸۸، برگرفته از: <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/6746/80575/1394/8/17>
۸. علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۰، «فلسطین، اسرائیل و انتفاضه، نزاع بر سر هویت»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، ج ۷.

۹. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و کامران کرمی و هادی عباس‌زاده، زمستان ۱۳۹۰، «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، ش ۴.
۱۰. قهرمانپور، رحمان، ۱۳۸۳، «تحلیل تکوین گرایانه سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۲۳.
۱۱. کبریایی‌زاده، حسین، دی ۱۳۹۰، «قدرت هوشمند ج. ا. ا. و انقلاب‌های خاورمیانه»، *روابط فرهنگی*، ج ۱، ش ۴.
۱۲. محمدی، هادی، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، «جنگ نامتقارن، با الگوی حزب‌الله لبنان»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، س ۷، ش ۲۶ و ۲۷.
۱۳. محمودی. مرتضی و صارم شیراوند و میلاد ادیب سرشکی، *امنیت ملی اسرائیل و استراتژی تهدید نظامی علیه ج. ا. ا. : ۱۳۹۰/۵/۲۵*. <http://prb.iauctb.ac.ir/pdf-510748/1393.1393/5/25>.
۱۴. نای، جوزف. اس، ۱۳۸۶، *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۵. _____، ۱۳۸۷، *رهبری و قدرت هوشمند*، ترجمه محمدرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
۱۶. _____، ۱۳۹۰، *آینده قدرت*، مترجم صحرائی، رضا مراد با همکاری شریعت پناهی، سید طاهر و ارجانی، سید حسین، تهران، حروفیه.
17. Evanglista Medeiros, Sabrina ,Jacon Ayres Pinto, Danielle, *International Reputation and Smart Power: Brazil Strategies Lumping Together Reliability and Power Projection*, Universidade Federal de Santa Maria UFSM UNICAMP. <http://web.isanet.org/Web/Conferences/FLACSO-ISA.2015>.
18. Jeban, Aude, *Smart Power: A Mindset or the Way Forward?*: <http://transatlanticrelations.org/sites/default/files/smarter-chapter1.pdf&rct.2015>.
19. Pallaver, Matteo, *Power and Its Forms: Hard, Soft Smart*, Department of International Relations of the London School of Economics for the degree of Master of Philosophy, London, October 2011.
20. Wilson ,Ernest. J, *Hard Power, Soft Power, Smart Power*, the ANNALS of the American Academy of Political and Social and Science, 2008, <http://ann.sagepub.com>.
21. <http://www.bashgah.net/fa/content/show/17864>, retrieved on 22 September 2015.
22. <http://www.jamnews.ir/detail/News/408992>, retrieved on 22 September 2015.
23. http://www.dw.com/en/business_boycott_israelis_feeling_the_pinch/a_17430688,2014/2/14
24. www.political_articles.persianblog.com,retrieved on 22 September 2015.